



عنوان: فصلنامه علمی نسیم کوثر

مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی دره صوفی

ویراستار: سیده نیلوفر حسینی

گرافیکست: سیده زهرا حسینی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۰۰,۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶

سایت فصلنامه: nasimekosar.blog.ir

ایمیل: nasimkosar1399@gmail.com

دفتر مرکزی و محل چاپ: قم

راهنمایی نویسندگان و شیوه نامه نگارش فصلنامه علمی نسیم کوثر

۱. مقاله قبلا در نشریه دیگری به چاپ نرسیده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۲. مقاله دارای عنوان، چکیده به زبان فارسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، منابع و مأخذ باشد.
۳. مقاله در برنامه word و باقلم IR lotus و اندازه ۱۴ نازک بوده و عنوان مقاله با قلم B Titr و اندازه ۱۴ تایپ شود.
۴. حجم هر مقاله حداقل ۱۲ و حداکثر ۲۲ صفحه باشد.
۵. کلمات کلیدی بین ۴-۷ کلمه و بصورت فارسی باشد.
۶. چکیده فارسی، از ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد.
۷. معادل انگلیسی اصطلاحات و مفاهیم علمی رایج، پانویست شود.
۸. ارجاع به منابع درون متنی باشد. داخل پرانتز، نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحات ذکر شود. مثال (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۰).
۹. فهرست منابع و مأخذ، به ترتیب الفبای نام خانوادگی نویسندگان، باشد (الف) کتابها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، (بصورت توپر)، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، محل انتشار و ناشر. مثال: هارت، هربت، ۱۳۹۰، مفهوم قانون، راسخ، محمد، تهران، نشر نی.
- ب) مقالات: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، عنوان مقاله، (بصورت توپر)، نام مجله، شماره مجله و شماره صفحات اول و آخر مقاله. مثال: رضایی، محسن، ۱۳۸۵، روش تجربی، فرهنگ مدیریتی، سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۷۲-۱۸۹.
۱۰. در زیر عنوان مقاله اسم نویسنده یا نویسندگان و در قسمت پاورقی ایمیل و سمت پژوهشگر و همچنین مشخص نمودن نویسنده مسئول. (به عنوان مثال حسینی، سید محمد، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم).
۱۱. مقالات بیانگر آرا و نظرات نویسندگان است و فصلنامه نسیم کوثر مسئولیتی در قبال محتوا و نویسنده آن ندارد.

اعضای هیأت تحریریه:

۱. سید محمد حسینی دره صوفی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی،
نخبه و پژوهشگر برتر در دانشگاه بین المللی المصطفی. قم
۲. دکتر سید رضی قادری، دکتری فلسفه اخلاق از دانشگاه باقر العلوم،
سطح چهار فقه و اصول حوزه، استاد سطوح عالی حوزه. قم
۳. سید مهدی نقوی، ارشد رشته ادیان ابراهیمی، قم جامعه المصطفی
۴. سید طالب زکی، دانش آموخته کارشناسی ارشد فقه و معارف اسلامی،
جامعه المصطفی العالمیه، قم.

فهرست مطالب

واکاوی حق آزادی بیان اتباع خارجه در ایران از منظر فقه اهلیت ، حقوق ایران و اسناد بین المللی	۷
ررسی تطبیقی روش های تعلیم و تربیت از دیدگاه علامه طباطبائی (با تاکید بر تفسیر المیزان) و ژان پیازه	۲۳
حکمرانی مهاجرت در ایران: خلاهای سیاست گذاری و چالش های مدیریتی	۴۳
آثار ایمان از منظر قرآن و روایات اسلامی	۶۷
مبانی اسلامی مقاومت در برابر اشغالگری؛ تبیین و تحلیل دیدگاه های قرآنی، روایی، فقهی و حقوقی	۹۱
مشارکت سیاسی زنان در تصدی مناصب دولت اسلامی	۱۰۵
منع تسلط کفار بر ممالک اسلامی از منظر فقه	۱۲۳
تحلیل حدیث رفع و تبیین حکم رفع شده در «ما لایعلمون»	۱۵۳
بررسی ماهیت جرم ارتداد (حدی یا تعزیری)	۱۶۵



سال پنجم، بهار ۱۴۰۴، شماره ۱۸

واکاوی حق آزادی بیان اتباع خارجه در ایران از منظر فقه اهلیت، حقوق ایران و اسناد بین المللی

سید محمد حسینی دره صوفی^۱

چکیده: آزادی بیان از حقوق طبیعی انسان است و هرکسی حق برخورداری از آزادی‌های خود را دارد. باتوجه به اهمیت انجام این پژوهش سؤالی که پاسخ داده شده است این است که: آزادی بیان تبعه خارجه در ایران در فقه اهلیت، حقوق ایران و اسناد بین المللی چی جایگاهی دارد؟ هدف پژوهش، شناخت دقیق قلمرو آزادی بیان تبعه خارجه و جایگاه آن در فقه اهلیت، حقوق ایران و اسناد بین الملل است. تحقیق از نوع توصیفی تحلیلی با تکنیک پیمایشی است و ابزار گردآوری آن کتابخانه و داده‌های دیجیتال است. جامعه هدف آن اتباع خارجه مقیم ایران است. یافته‌های تحقیق عبارت‌اند از اینکه: ۱. آزادی بیان تا زمانی که در دایره شرع قرار گیرد و موجب ضرر به دیگری نشود، از پشتوانه فقهی برخوردار خواهد بود. در این راستا فرقی بین اتباع خارجه و غیر آن نیست. ۲. برخی از مصادیق آزادی بیان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان شده است اما کامل نیست. ۳. در اسناد بین الملل نیز عبارات همه شمولی به کار برده شده است که بیانگر اثبات این حق برای اتباع خارجه است.

کلید واژه: آزادی بیان، تبعه خارجه، مهاجر، پناهنده، اسناد بین المللی، قلمرو آزادی بیان.

۱. دانش‌پژوه مقطع دکتری فقه و حقوق قضایی، گرایش جزا و جرم‌شناسی، جامعه المصطفی العالمیه. قم.
daraisuf@gmail.com

۱. مقدمه

یکی از مباحث مهمی که در تمام ادوار تاریخ مطرح بوده و امروزه به اوج خود رسیده است بحث آزادی است که آزادی بیان یکی از مصادیق آن است آزادی بیان از جمله حقوق طبیعی انسان شمرده می‌شود. آزادی در تمام جنبه‌های مختلف زندگی انسان جریان دارد اعم از فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را شامل می‌شود. از آزادی در انتخاب دین و مذهب گرفته تا آزادی بیان. امروزه هر حکومتی در قوانین خود تعریف خاصی از آزادی دارد و ملت‌ها نیز بر اساس قوانین موضوعه قلمرو آزادی خود را با قانون دولت خود تطبیق می‌دهند البته علی‌رغم تعریف قوانین ملی از آزادی بیان، در اسناد بین‌المللی نیز آزادی بیان تعریف شده است که کشورهای عضو تاحدودی خود را ملزم به آن میدانند. اتباع خارجه مقیم یک کشور نیز به تبعیت از قوانین آن کشور و در حدود آن دارای آزادی بیان است. اهمیت این بحث در آن است که اگر قلمرو آزادی مشخص نباشد، هرکسی می‌تواند به بهانه آزادی، به دیگران آسیب بزند. همچنین نهادهای دولتی می‌تواند آزادی بیان دیگران را محدود کند. همان گونه که آزادی بی‌حد و حصر فرهنگی می‌تواند به انسانیت انسان، به کرامت و شرافت او و به حقوق انسانی او ضربات جبران‌ناپذیری وارد نماید. از سوی دیگر ممکن است در کشورهای مختلف، قدرتمندان با تفسیر آزادی به نفع خود بتوانند به ملت خود و به ملت‌های دیگر ظلم روا دارند. بر همین اساس باید مشخص کرد که آیا آزادی بی‌حد و حصر است یا قلمرو معینی دارد؟ فقه اهل بیت (ع) عهده‌دار تبیین قلمرو آزادی انسان است. باید دید که دیدگاه فقه اهل بیت (ع) در این مورد چیست؟

۲. مبانی نظری

۲-۱. تعریف آزادی

آزادی یکی از چالش‌برانگیزترین واژگان در قاموس زندگی بشری است. هر مکتبی و هر نظام سیاسی و حکومتی تعریف موردنظر خود را از آزادی ارائه کرده‌اند.

آزادی از آن واژگانی است که بیش از هر چیزی دیگری دستخوش تغییر بر اساس مصلحت شخصی یا حکومتی شده است. تعریفی که در غرب آزادی مطرح شده است با بسیاری از تعاریف شرقی متفاوت است و تعریف یک نظام حکومتی از آزادی با تعریف نظام دیگر یکسان نیست. هر جهان بینی تعریف خاص خود از آزادی را عنوان کرده است.

باتوجه به مطالب فوق، نمی توان تعریف قابل پذیرش همگانی از آزادی ارائه کرد. برخی بر این باورند که آزادی یعنی رهایی از هر قید و شرط و بندی. یعنی آزاد کسی است که اگر میل به انجام کاری داشته باشد و قدرت و ذکاوت انجام آن را داشته باشد با مانع مواجه نشود (هابز، ۱۳۸۰ ش، ص ۵۰؛ هابز، ۱۸۳۹، ۲۱۵). «کانت» باور دارد که آزادی، استقلال انسان از هر چیز به جز قانون اخلاقی است (کرنستن، تحلیل نوین از آزادی، ۱۳۴۹، ص ۱۳). جمعی دیگر آزادی را در چارچوب قوانین موضوعه تعریف کرده اند یعنی هر آنچه که در قانون مجاز شمرده شده باشد، انسان در آن مورد آزاد است و چیزی که در قانون ممنوع باشد، آزادی در آن قسمت وجود ندارد (منتسکیو، ۲۹۲؛ ۵۴، ۱۹۷۵، ۹۷؛ hegel, 2001).

هر سه دیدگاه قابل نقد است.

آزادی بی حد و حصر به معنای افسارگسیختگی است و باعث هرج و مرج در زندگی فردی و اجتماعی می شود و دست زورمندان را در تجاوز به حقوق مستضعفان باز می گذارد و از سوی دیگر باعث از هم گسیختن نظام اخلاقی می شود. آزادی به معنای رفتار طبق حکم عقل نیز پیامدهای مخربی دارد زیرا چه بسا حکم عقل مخالف مصلحت انسانی و رسیدن به کمال باشد.

آزادی در حیطه قانون نیز منجر به ظلم و بی عدالتی نظام حکومتی می شود؛ چون هر چه حاکمیت مقرر کند و تصویب کند، ملت را ملزم به عمل به آن می نماید و سر از استبداد و خودکامگی در می آورد.

آزادی از بعد سیاسی با آزادی فلسفی و کلامی متفاوت است. از بعد فلسفی آزادی به معنای اختیار در مقابل جبر به کار برده شده است. از بعد سیاسی به معنای برخورداری فرد از امکانات دولتی در حیطه حقوق مدنی، اجتماعی، فرهنگی،

سیاسی، اقتصادی و سایر حقوق است. (علی بابایی، ۱۳۹۶، ص ۴۹)

از میان دانشمندان اسلامی نظر قوی بر این است که آزادی روشن است و نیاز به تعریف ندارد (امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۹۴-۹۵)

به نظر می‌رسد که آزادی را باید در چهارچوب مبانی دینی تعریف کرد. آزادی یعنی آزاد بودن در انجام هر نوع گفتار و رفتاری که باعث رسیدن به کمال فردی و اجتماعی شود؛ مع الوصف آن گفتار یا رفتار منجر به تضییع حقوق دیگران نشود.

۲-۲. تعریف آزادی بیان

آزادی بیان عبارت است از: «ارائه هر نوع فکر و اندیشه که به صورت‌های گوناگون عرضه می‌گردد مانند گفتار و سخن، قلم و نگارش، تصویر و فیلم، تئاتر و تعزیه و هر چیزی که می‌تواند اندیشه انسان را در اذهان مخاطبان مجسم سازد. البته ابزار بیان افکار و عقیده به آنچه اشاره شد منحصر نیست» (سبحانی، ۱۳۸۴، ص ۹۴-۹۵).

در تعریف دیگر، آزادی بیان یعنی اینکه: «انسان بتواند بدون ممانعت دیگران، افکار و اندیشه خود را با هر روش و ابزاری در دایره شریعت و قانون عادلانه، در معرض و اختیار دیگران قرار دهد». آزادی بیان به معنای فحاشی، نسبت ناروا دادن به دیگران، بی احترامی به مقدسات و ارتکاب کارهای خلاف شرع نیست؛ بلکه تمام این موارد جرم تلقی شده و طبق شرع اسلام و قانون، مجازات در پی دارد.

اسلام از فجر دعوت خود، آزادی بیان را از اوجب واجبات مسلمانان قرارداد تا به حق خود پافشاری نموده و باصلابت در کنار عدالت بایستند. دین اسلام دعوت جهانی است. بدون آزادی بیان، ممکن نیست که این دعوت جهانی راه خود را پیدا نماید. پس اعلان و ابلاغ دعوت اسلامی و طرح افکار اسلام و مبادی اصلی و اساسی آن، لازمه‌اش این است که طرفین آزادی بیان را محترم بشمارند.

در این قسمت از پژوهش، ابتدا به طرح آزادی بیان از نقطه نظر فقه اهل بیت (علیهم السلام) پرداخته شده و سپس تحلیل آن از منظر حقوق ایران و افغانستان ادامه یافته است.

۳. حق آزادی بیان اتباع خارجه در فقه اهل بیت (علیهم السلام)

آزادی بیان در فقه اهل بیت (علیهم السلام)، بویژه در کتب فقههای معاصر تحت عنوان مستقلی مورد بحث قرار گرفته. کلیت آزادیهای مشروع، مورد قبول فقههای اهل بیت (علیهم السلام) است: «این حق عام و نسبت به موافق و مخالف یکسان است (منتظری، بیّنات، ج ۲، ص ۴۳۵). اسلام ۱۴ قرن قبل، نظریه آزادی را بیان فرمود؛ در حالی که قوانین وضعی در اواخر قرن نوزدهم به طرح و بسط نظریه آزادی پرداختند. تا قبل از قرن ۱۹ م، قوانین وضعی بشر به آزادی به صورت کلی و آزادی بیان به صورت خاص اعتنای نداشتند؛ بلکه سخت ترین عقوبت ها را در مورد مصلحان و متفکرین و هر کسی که عقیده و نظری مخالف ابراز می نمود، به کار می گرفتند. این واقعیت تاریخ است؛ اما امروزه دروغ بزرگی را دامن زده اند مبنی بر اینکه اروپائی ها اولین کسانی بودند که ندای آزادی سر دادند. باید دانست که این ادعا از جهل این مدعیان به شریعت اسلامی و فقه اهل بیت (علیهم السلام) سرچشمه می گیرد. اروپایی ها ممکن است در برابر این جهل خود امروزه عذری بتراشند؛ اما ما چنین عذری نداریم (حسینی شیرازی، ۱۴۲۶، ج ۱۰۰، ص ۶۴).

در بررسی فقهی آزادی بیان، به طرح دیدگاه یکی از فقههای معاصر مکتب اهل بیت (علیهم السلام) پرداخته می شود. نویسنده کتاب «الفقه»، آزادی بیان را در دو بخش ۱. مشروعیت آزادی بیان و ادله آن ۲. حدود آزادی بیان. بحث نموده است. در قسمت ادله آزادی بیان عنوان نموده که چهار دلیل از قرآن سنت، اجماع و عقل بر وجود آزادی بیان در فقه قابل ارائه است (همان، ج ۱۰۶، ص ۲۲۰ تا ۲۲۱).

۳-۱. دلیل قرآنی:

«و بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آن ها بود، (از دوش و گردنشان) بر می دارد» (سوره اعراف (۷)، آیه ۱۵۷): «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» وجه دلالت این آیه بر آزادی بیان روشن است زیرا اسلام بندهای ضد آزادی بیان را برداشته است. و از هرگونه ایجاد محدودیت و ممنوعیت در زمینه آزادی بیانی که سازنده باشد و مخرب نباشد جلوگیری می کند.

۲-۳. اطلاق سنت

دومین دلیل اطلاق سنت بر آزادی بیان است. به دلیل فرمایش حضرت علی: «بنده دیگری مباش زیرا که خداوند تو را آزاد آفریده است» (ابن ابی الحدید، ۱۴۱۹، ج ۱۶، ص ۹۰). روایت بر آزادی بیان صراحت دارد؛ زیرا کسی که نتواند از آزادی بیان خود استفاده نماید، در حقیقت به نوعی تحت فشار قرار گرفته و از جای دیگری ترس و هراس دارد که نمی‌تواند آزادانه حرف خود را اظهار نماید. اسلام با چنین هراس افگنانی که مانع آزادی بیان شوند مقابله نموده و به همه انسان‌ها نوید می‌دهد که در اظهار نظرات سازنده و مفید خود از کسی نه‌راسید و برده‌ی کسی نباشد که خداوند شما را درگفتن حقایق، آزاد آفریده است.

۳-۳. اجماع:

سومین دلیل اجماع علماء مسلمان است (حسینی شیرازی، پیشین، ج ۱۰۶ ص ۲۲۱).

۴-۳. عقل:

دلیل چهارم بر آزادی بیان عقل است که از چند جهت می‌توان به آن استناد نمود.

۱. اگر آزادی بیان وجود نداشته باشد، حکومت، متوجه نقص‌های خود نخواهد شد و در نتیجه متوجه احتیاجات جامعه نمی‌شود. با اینکه بر حکومت اسلامی لازم است که نقص‌های موجود در جامعه اسلامی را برطرف نماید و احتیاجات افراد جامعه را برآورده کند. پس در قدم اول باید انسان از آزادی در گفتن و نوشتن بدون هیچ ترسی برخوردار باشد تا حکومت متوجه آن نقایص شود. در روایت هم آمده که: بهترین برادران کسی است که مرا نسبت به عیب‌هایم واقف سازد (حسینی شیرازی، پیشین، ج ۱۰۶، ص ۲۲۱).

۲. اگر آزادی بیان وجود نداشته باشد جامعه به رشد و تکامل سیاسی نمی‌رسد. به عبارتی دیگر تربیت سیاسی پیدا نمی‌کند. جامعه زمانی به لحاظ سیاسی رشد می‌کند و به تکامل می‌رسد که مردم بتوانند در موضوعات مختلف اظهار نظر کنند. افعال و رفتار سیاستمداران و حاکمان و متصدیان را مورد نقد و ارزیابی قرار دهند،

نسبت به ارائه پیشنهادها و انتقادات خود بیمی نداشته باشند. زمانی که تبادل و تضارب آراء و اقوال سیاسی در جامعه گسترش پیدا نمود، می توان خوب را از بد تشخیص داده و نقطه نظرات سیاسی خوب را برگزید و نسبت به نظرات سیاسی مضر و منفی جبهه گیری کرد. از طرفی آزادی بیان منجر به ورود جامعه در متن سیاست شده و از منزوی شدن سیاسی افراد جلوگیری می شود (همان، ص ۲۲۱-۲۲۲).

۳. فقدان آزادی بیان منجر به مقاومت انسان و بیدار شدن حس مقابله با سرکوبگری می شود. جلوگیری از آزادی بیان منجر به انفجار جامعه در برابر نظام حاکم می گردد؛ زیرا انسان در مقاومت نمودن در برابر هرگونه سرکوبگری خو گرفته است؛ همان گونه که در تحقیق و تعمق نمودن در مورد کارهای ممنوعه خو گرفته و حس کنجکاوی، او را وادار به فهمیدن کارهای ممنوعه و انجام آن ها می نماید (همان، ص ۲۲۲).

۴. سرکوبی آزادی بیان منجر به دیکتاتوری سردمداران حکومت می شود. آزادی بیان در قالب امر به معروف و نهی از منکر، در مقابل خطاها و اشتباهاتی که حاکم و هر مسئول دیگری بر اساس مطامع و شهوات مادی خود دنبال می کند، چون صافی عمل می نماید (همان، ص ۲۲۲).

جایگاه آزادی بیان در فقه تا حدی تکامل یافته است که هرگونه مقابله با اظهارنظری که در آن شخص از آزادی کامل برخوردار نباشد مردود اعلام می گردد. در فقه بابی وجود دارد تحت عنوان اقرار. اقرار یکی از ادله اثبات حکم است. قاعده کلی وجود دارد که «اقرار هر انسان عاقلی بر ضرر خودش جایز و نافذ است» (جواد عاملی، ۱۴۱۹، ج ۹، ص ۲۳۸). اقرار در صورتی نافذ است که قوه قهریه شخص را وادار به اقرار نکرده باشد؛ یعنی این اظهارنظر، با آزادی کامل فرد صورت گرفته باشد؛ بنابراین، اقرار اکراهی و اجباری حکمی را ثابت نمی کند (حسینی شیرازی، ۱۴۲۶، ص ۴۲۱).

این چهار دلیل از کتاب، سنت، اجماع و عقل محکم ترین ادله مشروعی و رسمیت آزادی بیان در فقه اهل بیت (علیهم السلام) است که مورد توجه و همت صاحب کتاب عظیم و از شمند «الفقه» قرار گرفته. دلیل عقل مورد تعمق بیشتری واقع شد. دلایل زیادی از قرآن و سنت وجود دارد که به عنوان مبانی فقهی آزادی بیان به صورت مفصل تر بحث می شود.

۳-۵. آزادی بیان اتباع خارجه در قرآن کریم

آزادی بیان در قالب‌های متعددی در قرآن کریم مطرح است. مواردی چون: درخواست ارائه برهان، امر به معروف و نهی از منکر، متابعت از رأی پسندیده، اجازه به مشرکان برای بیان دیدگاه‌هایشان در محضر پیامبر اکرم، درخواست مناظره و تحدی طلبیدن از منکران اسلام و ده‌ها قالب دیگر.

۳-۵-۱. آزادی بیان در قالب امر به معروف و نهی از منکر

قرآن کریم در موارد متعددی دستور می‌دهد تا در جامعه باید امر به معروف و نهی از منکر انجام شود و این یک وظیفه همگانی است

۱. «باید که از میان شما گروهی باشند که به خیر دعوت کنند و امر به معروف و نهی از منکر کنند. اینان رستگاران اند» (سوره آل عمران (۳)، آیه ۱۰۴): «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ». دستور به امر به معروف و نهی از منکر مبتنی به آزادی بیان است. در جامعه که آزادی بیان سرکوب شود، جلو امر به معروف و نهی از منکر گرفته می‌شود.

۲. «همان کسانی که هرگاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و پایان همه کارها از آن خداست» (سوره حج (۲۲)، آیه ۴۱): «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»). طبق برداشتی که از آیه می‌شود، حاکمان الهی باید به جامعه آزادی بیان را نهادینه نمایند تا ضمن اینکه خودشان به کمک آزادی بیان امر به معروف و نهی از منکر کنند، دیگران هم به تبع آنان و با الگوگیری از حاکم اسلامی، اقدام به امر به معروف و نهی از منکر کنند. در نتیجه، آیه مبارکه، آزادی بیان را مشروعیت می‌بخشد.

۳-۵-۲. آزادی بیان در قالب انتخاب بهترین گفتار

قرآن کریم در آیه دیگری می‌فرماید: «همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آن‌ها پیروی می‌کنند آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده و آن‌ها خردمندان اند» (سوره زمر (۳۹)، آیه ۱۸): «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ

الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ». شنیدن سخن و پیروی از بهترین کلام که منجر به هدایت می‌شود، زمانی میسر است که در قدم اول آزادی بیان سرکوب نشود و هرکسی بدون ترس و واهمه، بتواند در مورد افکار و اعتقادات برحق خود در قالب گفتاری و نوشتاری اظهار نظر نماید. از نظر قرآن کسانی هدایت یافته است که ضمن پذیرش حق آزادی بیان، از بیانات برحق دیگران استفاده نموده و راه درست و هدایت را انتخاب می‌نمایند.

۳-۵-۳. شناختن حق آزادی بیان حتی برای مشرکان

نگاه اسلام به آزادی بیان تا حدی گسترده است که اگر مشرکی خواهان صحبت با شخص پیامبر اسلام باشد تا از طریق سؤال و جواب و استدلال، احتمال هدایت شدن آن وجود داشته باشد. به مشرک اجازه داده می‌شود؛ تا آزادانه به بیان نظرات و اعتقادات خود پرداخته و سپس با شنیدن نظرات اسلام به تفکر واداشته شود. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد، به او پناه ده تا سخن خدا را بشنود (و در آن بیندیشد)! سپس او را به محل امنش برسان، چرا که آن‌ها گروهی ناآگاه‌اند!» (سوره توبه (۹)، آیه ۶: «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ»)

این آیه به خوبی گستره آزادی بیان را در فقه اهل بیت (علیهم السلام) و دین اسلام انعکاس داده است.

۳-۵-۴. پذیرش آزادی بیان از طریق درخواست برهان و استدلال

حکام دیکتاتور، هرگونه استدلال و برهانی که برخلاف مطامع مادی آن‌ها باشد را سرکوب می‌کنند و به کسی اجازه نقد علمی از طریق دلیل و برهان را نمی‌دهند. اسلام ضمن پذیرش آزادی بیان، از مخالفان خود می‌خواهد اگر راست می‌گویند که دلیل و مدرکی بر رد اسلام دارید ارائه کنید: «کسی که شمارا از آسمان و زمین روزی می‌دهد آیا معبودی جز خدا هست؟! بگو: دلالتان را بیاورید اگر راست می‌گویید!» (سوره نمل (۲۷)، آیه ۶۴). درخواست اسلام از منکرین خود مبنی بر اینکه اگر دلیلی بر رد اسلام دارید عرضه نمایید اوج آزادی بیان را می‌رساند؛ زیرا در بسیاری از

مکاتب امروزی، اگر اظهار نظر مخالف، موجب تضعیف پایه‌های فکری آن شود قطعاً سرکوب می‌شود؛ اما اسلام با کمال خونسردی، از مخالفان خود در خواست اظهار نظر می‌کند.

۳-۶. آزادی بیان در سنت و سیره

سنت و سیره ائمه اهل بیت (علیهم السلام) دستورالعمل‌های ناب و جامعی در مورد رسمیت بخشیدن به آزادی بیان دارد از جمله

۱. پیامبر اسلام در تأیید آزادی بیان می‌فرماید: «هرکدام از شما که با منکری مواجه شدید باید با دست خود نسبت به از بین بردن آن اقدام نمایید، اگر با دست نتوانستید با زبان به مخالفت با آن برخیزید و اگر قدرت مخالفت با گفتار را هم نداشتید، قلباً از آن کار ناراضی باشید...» (پاینده، ۱۳۳۷، ص ۷۶۸). یکی از دستورات مهمی که در این حدیث بدان تأکید شده است، مخالفت زبانی با منکرات است؛ و پیش‌فرض این مسئله، به رسمیت شناختن آزادی بیان است.

۲. حضرت محمد فرمود: «بهترین جهاد، گفتن حرف حق در برابر سلطان و حاکم ستمگر است» (پاینده، پیشین، ص ۲۲۹). از لازمه گفته شدن حرف حق، مشروعیت آزادی بیان است.

۳. آزادی بیان در اندیشه حضرت علی یکی از بارزترین ویژگی‌های حکومت عادلانه حضرت علی، گسترش آزادی بیان در قلمرو حاکمیت حضرت بود. در هیچ جای تاریخ نمی‌توان مدرکی یافت که حضرت مانع بیان و گفتار مردم حتی مخالفان سیاسی خود شده باشد. چنانکه خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «مقدم‌ترین و نزدیک‌ترین مردم در نزد تو باید کسی باشد که حق را اگرچه تلخ باشد بیش از دیگران و گویاتر از دیگران به تو بگوید» (ابن ابی‌الحدید معتزلی، ۱۳۳۷، ج ۱۷، ص ۳۶). این سفارش اوج آزادی بیان را در اندیشه حضرت علی می‌رساند که به والی خود دستور می‌دهد از شنیدن حرف‌های تلخ و بر حق دیگران طفره نرود و مردم را از حق طبیعی آزادی بیان محروم نسازد.

۴. حدود آزادی بیان از نظر فقه

آزادی بیان تاجای گستره دارد و قیدی بر او نهاده نمی شود که منجر به ایراد ضرر بر دیگری نشود و سر از دروغ پراکنی، تهمت، افترا و تخریب در نیاورد. اگر به این حد برسد دیگر آزادی نیست بلکه تجاوز قلمداد می گردد مثل قتل و غارت و سرقت و تعدی به آبرو و حیثیت (حسینی شیرازی، ۱۴۲۶، ج ۱۰۶، ص ۲۲۲-۲۲۳).

سؤالی که باید پرسید این است که از کجا بفهمیم که حدود آزادی بیان تا کجاست؟ آیا می توان به هر بهانه آزادی بیان را به قید و بند در آورد؟ با توجه به اینکه خط فاصلی بین نفع و ضرر وجود ندارد، ممکن است یک امری نسبت به یک فرد نفع داشته باشد و همان امر نسبت به فرد دیگری ضرر داشته باشد. با توجه به این مطلب، مقید ساختن آزادی بیان سرکوب کردن این حق است (همان، ص ۲۲۲-۲۲۳). در جواب باید عرضه داشت که شناخت نفع و ضرر بر دوش عرف است و اگر بین نفع و ضرر اشتباه و خلط شود، مرجعی مربوطه از قبیل هیئت منصفه در این مورد تصمیم گیری خواهد نمود (همان، ص ۲۲۲-۲۲۳).

۵. آزادی بیان اتباع خارجه در حقوق ایران

پرداختن به حق آزادی بیان اتباع خارجه از چشم انداز حقوق ایران، نیازمند تحقیق همه جانبه است و در برخی موارد ممکن است پا به عرصه حقوق بین المللی و حقوق و اسناد بین المللی نیز گذاشته شود. در نگاه نخست نظری انداخته شده به حقوق بین المللی که مورد پذیرش کشور ایران است

۵-۱. آزادی بیان اتباع خارجه در قوانین بین المللی مورد قبول ایران

یکی از دستاوردهای مهم جامعه جهانی در دوره معاصر، حمایت قانونی و بین المللی از آزادی بیان است. بعد از جنگ های جهانی، قدرت های بزرگ، نسبت به ارائه این حق به ملت ها، انعطاف بیشتری نشان دادند. قوانین وضع شده نسبت به آزادی بیان، در عرصه بین المللی که مورد حمایت این قدرت های جهانی است شاهد گویا بر این واقعیت است. اعلامیه جهانی حقوق بشر، مهم ترین سند حمایت از حق آزادی بیان است که میثاق های بین المللی نیز در حمایت و پشتیبانی اجرای آن به کمک آزادی بیان شتافته است.

۲-۵. اعلامیه جهانی حقوق بشر

حق آزادی بیان در اعلامیه جهانی حقوق بشر تصریح شده است. این اعلامیه مقرر می‌دارد که: «هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد» (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۹).

۳-۵. میثاق‌های بین‌المللی

دومین سند مهم بین‌المللی که به این موضوع پرداخته، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی است. این میثاق در خصوص حق آزادی عقیده و بیان مقرر شده است: «هر کس از حق آزادی عقیده و بیان بدون هیچ‌گونه مداخله‌ای برخوردار می‌باشد. این حق مشتمل بر آزادی جستجو، دریافت و رساندن اطلاعات و اندیشه‌ها از هر نوع، خواه شفاهی، کتبی، چاپ یا به صورت هنری یا به هر وسیله دیگر فارغ از ملاحظات مرزی است». (میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی، ماده ۱۹، بند ۲) بررسی چند نکته در مورد این ماده قانونی از میثاق. حائز اهمیت است:

۱. گستره این ماده تمام بشریت را دربرمی‌گیرد و عبارت «هرکس» و «فارغ از ملاحظات مرزی»، انحصار آن به قوم، نژاد، ملیت و رنگ خاصی را مردود می‌داند. در نتیجه مهاجری که در کشوری به صورت قانونی زندگی می‌کند از حق آزادی بیان، به شکل کامل برخوردار است.

۲. این حق قابل نقض نیست و کسی نمی‌تواند مانع آزادی بیان دیگری شود. جمله «بدون هیچ‌گونه مداخله»، با صراحت کامل هرگونه مانع‌تراشی در زدودن حق آزادی بیان را ممنوع می‌داند. البته این تفسیر، مطلق نیست و چنین برداشت نشود که در قالب آزادی بیان می‌توان هر کاری انجام داد. همان‌گونه که قبلاً ذکر شد، این حق تا جایی قابل اعمال است که به فرد و جامعه بشری ضرری وارد نشود.

۳. آزادی بیان منحصر به آزادی در کلام نیست؛ بلکه مصادیق گوناگونی دارد از جمله: حق دسترسی به اطلاعات، دسترسی و برخورداری از فناوری‌های جدید

اطلاعاتی، بهره‌مند شدن و دسترسی به انعکاس افکار و اندیشه از طریق فیلم، تئاتر، سینما و نقاشی، حق تبلیغات تجاری، علمی و آزادی مطبوعات. با توجه به اینکه کشور ایران عضو این میثاق می‌باشند، فرمان‌های میثاق برای آن الزام‌آور است.

۵-۴. اعلامیه اسلامی حقوق بشر

یکی دیگر از اسناد مهمی که حق آزادی بیان در آن جلوه یافته است، اعلامیه اسلامی حقوق بشر است. این اعلامیه تصریح نموده که: «هر انسانی حق دارد نظر خود را به هر شکلی که مغایر با اصول شرعی نباشد، آزادانه بیان کند» (اعلامیه اسلامی حقوق بشر (اعلامیه قاهره ۱۹۹۰)، ماده ۲۲، بند الف). بر اساس این اعلامیه، تنها عامل بازدارنده در برابر آزادی بیان، مغایرت آن با اصول شرعی است. اگر این حق در دایره موازین شرعی حرکت نماید، هیچ قیدوبندی نمی‌تواند سد راه تکامل آن گردد.

سؤالی که باید پاسخ داده شود این است که آیا هر دولتی و قانونی می‌تواند مسیر حرکت آزادی بیان را طبق سلیقه خود مسدود نماید؟ در پاسخ باید عرضه داشت که مانع‌تراشی سلیقه در مسیر آزادی بیان ممنوع است. طبق برداشتی که از اسناد بین‌المللی به دست می‌آید:

۱. محدودیت‌های مربوط به آزادی بیان باید از صافیهای قانون‌گذاری عبور نماید و خودسرانه نمی‌توان مانع آزادی بیان شد.

۲. اعمال محدودیت‌های قانونی نسبت به آزادی بیان، در جامعه ضرورت داشته باشد.

۳. محدودیت‌های قانونی اعمال‌شده حصری هستند نه تمثیلی و دولت‌ها حق تفسیر موسع و گسترش دامنه محدودیت‌ها را ندارند.

نتیجه اینکه، آزادی بیان با تمام انواع خود، در اسناد بین‌المللی مورد قبول کشور ایران (قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، ماده ۹) تصریح شده است و این کشور ملزم به رعایت آن است.

۵-۵. حق آزادی بیان در حقوق ایران

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حق آزادی بیان به شکل کامل و جامع مورد تصریح قانون‌گذار قرار نگرفته؛ هرچند می‌توان به‌طور ضمنی بخش‌های از حق آزادی بیان را از اصول متعدد قانون اساسی به دست آورد.

۱. واژه «آزادی بیان» تنها یک‌بار و آن‌هم در اصل ۱۷۵ قانون اساسی به‌کاررفته است. در این اصل مقرر داشته است که: «در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد». (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۷۵) این اصل تنها به آزادی بیان در عرصه رسانه تأکید می‌ورزد؛ اما نسبت به سایر قالب‌های آزادی بیان ساکت است.

۲. در یکی دیگر از اصول قانون اساسی، تنها برخی از مصادیق آزادی بیان عنوان گردیده، این اصل مقرر می‌دارد: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند» (همان، اصل ۲۴). طبق این اصل، نمونه‌های بارز آزادی بیان که نشریات و مطبوعات باشد ذکر شده است. اگر در کشوری مطبوعات و نشریات آن در بیان افکار و اندیشه و بازتاب آن، آزادی داشته باشد، شهروندان آن نیز از آزادی بیان برخوردار خواهند بود؛ اما مشکل اینجاست که اگر قانون در مورد آزادی بیان به شکل کامل و جامع تدوین نشود و همه جواب آزادی بیان را به شکل جامع در نظر نگیرد، زمینه برای سوءاستفاده فراهم می‌شود و این مشکل در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وجود دارد.

در نتیجه، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به شکل کامل به تبیین و حمایت از آزادی بیان اقدام نکرده است و تنها به حمایت از برخی از مصادیق آزادی بیان پرداخته. در مورد مصونیت آزادی بیان نیز به‌طور صریح راهکاری ارائه نشده.

از قانون اساسی که بگذریم، در قانون مطبوعات جمهوری اسلامی ایران نیز واژه «آزادی بیان» ذکر نشده است؛ اما قانون مطبوعات ایران در باره بخشی از حق آزادی بیان اتباع خارجه مقرر می‌دارد که: «مطبوعاتی که از طرف سازمان‌های آزادی‌بخش اسلامی کشورهای دیگر منتشر می‌شود می‌تواند با سرمایه و مسئولیت اشخاص غیر ایرانی در چهارچوب قوانین مربوطه به خارجیان مقیم ایران و موافقت دو وزارت ارشاد

و امور خارجه منتشر شوند» (قانون مطبوعات جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۲، تبصره ماده ۸). طبق این تبصره، آزادی مطبوعات که از بارزترین قالب‌های نشر آزادی بیان است، در قوانین داخلی ایران، برای اتباع خارجه به رسمیت شناخته شده.

۶. نتیجه گیری

با بررسی انجام شده، دستاوردهای ذیل حاصل شد:
الف) آزادی بیان به شکل کامل مورد تأیید فقه اهل بیت (علیهم السلام) قرار گرفته و تا زمانی که در دایره شرع قرار گیرد و موجب ضرر به دیگری نشود، از پشتوانه فقهی برخوردار خواهد بود.

ب) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در حمایت از آزادی بیان از چند جهت ممکن است مورد انتقاد قرار گیرد:

۱. واژه «آزادی بیان» به صراحت در آن ذکر نشده است؛ مگر در اصل ۱۷۵ که ناظر به آزادی بیان در صداوسیما است. از طرفی صداوسیما در ایران دولتی است (اساسنامه سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۲/۷/۲۷، ماده ۷) و این خود زمینه را برای انتقاد نهادهای بین‌المللی هموار نموده است. در کشوری که رسانه‌های خصوصی از قبیل رادیو و تلویزیون مجوز فعالیت نداشته باشد، زمینه برای سرکوبی آزادی بیان هموار می‌شود.

۲. اصل ۲۴ قانون اساسی ایران، فقط به آزادی نشریات و مطبوعات بسنده نموده؛ در حالی که نشریات و مطبوعات بخشی از آزادی بیان است نه تمام آن. هرچند می‌توان آزادی بیان را در اشکال متعدد از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به‌طور ضمنی استخراج نمود، از اصول چون اصل ۳، ۹، ۲۰، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۷۷، ۸۸، ۹۰ و اصل ۱۷۵. گرچه این انتقاد، با پذیرش قوانین بین‌المللی مربوط به آزادی بیان، توسط ایران تا حدودی مرتفع می‌گردد.

ج) قوانین بین‌المللی متعددی به حق آزادی بیان اتباع خارجه تصریح کرده و با به کارگیری عبارات عام و همه شمول این حق را برای همگان به رسمیت شناخته است. هرچند به کارگیری این حق مطلق نیست و تا جایی کارایی دارد که با شرع و

قانون در تضاد نباشد.

۷. فهرست منابع و مآخذ

قران کریم

۱. ابن ابی الحدید معتزلی، عزالدین ابو حامد، ۱۳۳۷، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه عمومی آیه الله مرعشی نجفی، قم، حدید.
۲. اساسنامه سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۷/۲۷/۱۳۶۲.
۳. اعلامیه اسلامی حقوق بشر (اعلامیه قاهره ۱۹۹۰)
۴. پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۳۷). نهج الفصاحه (ج ۱-۲). تهران - ایران: کتابخانه ابن سینا.
۵. حسینی شیرازی، سید محمد، ۱۴۲۶، الفقه (کتاب الحقوق)، بیروت، دارالعلوم.
۶. سبحانی، جعفر، ۱۳۸۴، آزادی و دین سالاری، قم، امام صادق.
۷. منتظری، حسینعلی، بیتا، رساله استفتائات، قم، نشر اندیشه اسلام.
۸. علامه حلی، حسن بن یوسف، خالصی، محمدباقر، و حسینی عاملی، محمدجواد بن محمد. ۱۴۱۹. مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه. ۲۶ ج. قم - ایران: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیه بقم. مؤسسة النشر الإسلامی.
۹. قانون اساسی ایران، مصوب ۲۴ آبان ۱۳۵۸.
۱۰. قانون مدنی ایران، مصوب ۱۸/۰۲/۱۳۰۷.
۱۱. قانون مطبوعات جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۲
۱۲. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب ۱۹۶۶ م